

بررسی نقش مبلمان شهری در هویت و سیمای شهری

مجید ضرغامی

کارشناسی مهندسی شیمی صنایع پولیمر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش مبلمان شهری در هویت و سیمای شهری انجام گرفت. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات، پایان نامه ها و ... بود. نتایج نشان داد نقش مبلمان شهری از زوایای مختلفی از قبیل نقش مبلمان شهری، سیمای شهر و نیاز شهروندان، مبلمان شهری، معلولان، جانبازان و سالمندان، نقش نمادها و نشانه ها در مبلمان شهری، رابطه ی مبلمان شهری و آرامش ذهنی و سلامت روانی و تأثیر اقلیم مصالح، رنگ و ویژگی های هنری در مبلمان شهری قابل بررسی می باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشان می دهد که مبلمان شهری نه تنها به کارایی فضاهای عمومی کمک می کند، بلکه به عنوان نمادی از فرهنگ و تاریخ یک شهر، می تواند به تقویت هویت محلی و ارتقاء سیمای شهری منجر شود.

واژگان کلیدی: مبلمان، مبلمان شهری، هویت، سیمای شهری

مقدمه

مبلمان شهری به عنوان یکی از عناصر کلیدی در طراحی و شکل‌دهی به فضاهای عمومی شهرها، نقش بسزایی در هویت و سیمای شهری ایفا می‌کند. این عناصر شامل صندلی‌ها، میزها، چراغ‌های خیابانی، سطل‌های زباله، و دیگر تجهیزات شهری هستند که نه تنها به کارایی و راحتی فضاهای عمومی کمک می‌کنند، بلکه به ایجاد هویتی خاص و منحصر به فرد برای هر شهر نیز می‌انجامند. در دنیای امروز، با افزایش جمعیت و توسعه شهرنشینی، اهمیت مبلمان شهری به عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقاء تجربه شهروندان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. مبلمان شهری به عنوان رابطی میان انسان و فضا، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار اجتماعی، تعاملات انسانی و احساس تعلق به مکان داشته باشد. طراحی مناسب و کارآمد این عناصر می‌تواند به جذب شهروندان به فضاهای عمومی، افزایش تعاملات اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی کمک کند. از سوی دیگر، مبلمان شهری می‌تواند به عنوان نمادی از فرهنگ و تاریخ یک شهر عمل کند و هویت محلی را تقویت نماید. با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی در شهرها، طراحی مبلمان شهری باید به نیازها و خواسته‌های مختلف جامعه پاسخ دهد. این امر مستلزم توجه به اصول طراحی انسانی، زیبایی‌شناسی و کارایی است. لذا در این مقاله، به بررسی نقش مبلمان شهری در شکل‌گیری هویت و سیمای شهری پرداخته می‌شود.

مبلمان شهری

به مجموعه امکاناتی که در شهرها، خیابان‌ها و میادین و پارک‌ها و فضای باز شهری جهت استفاده عمومی نصب شده‌اند، اطلاق می‌گردد. از جمله نیمکت‌ها، باجه‌های تلفن، صنوق‌های پستی، سطل‌های زباله، ایستگاه اتوبوس، ایستگاه تاکسی، سر پناه‌ها و نشست‌گاه‌ها و... که در مکان‌های مناسب شهری و متناسب با نحوه استفاده به منظور برقراری راحتی، زیبایی و آرامش، رفاه و امنیت شهری قرار داده‌اند، مبلمان شهری می‌گویند. در واقع مبلمان شهری به مجموعه وسیعی از وسایل و تجهیزات اطلاق می‌شود که چون در شهر و خیابان و فضای باز نصب می‌شوند، استفاده عمومی دارد و به این نام معروف است. مبلمان شهری بیش از یکصد عنوان را شامل می‌شود (کلانتری و انصافیان، ۱۳۹۰).

اهمیت مبلمان شهری در شهر

امروزه اهمیت و نقش مبلمان شهری در خدمات رسانی و زیباسازی شهری بر هیچ کس پوشیده نیست و مبلمان شهری از اجزای ضروری و جدایی‌ناپذیر شهرها محسوب می‌شود. با گسترش فزاینده شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینان و مشکلات ناشی از آن، فراهم آوردن امکاناتی برای رفاه حال شهروندان بیش از پیش ضروری می‌نماید. باید توجه داشت که مبلمان شهری نه فقط موجب زیبایی شهر بلکه بخش مهمی از زندگی افراد و محیط زیست را در برمی‌گیرد، مبلمان شهری را می‌توان عامل جدایی‌ناپذیر در هماهنگی شهری دانست. امروزه مدیران شهری با توجه به اهمیت طراحی تجهیزات و مبلمان شهری، از تمامی گروه‌ها و تخصص‌ها در زمینه طراحی مبلمان و تجهیز فضای شهری کمک می‌گیرند که این خود حالت میان رشته‌ای بودن مبلمان شهری را نشان می‌دهد. در شهرهای امروزی باوجود ترافیک و مشکلات عدیده شهری که باعث نزول کیفیت فضاهای شهری و در نتیجه تضعیف هویت شهر می‌شود، در این میان آنچه باعث آسایش شهروندان و کمک به ارتقا هویت شهری می‌شود منظر شهری، پارک‌ها و انواع مبلمان شهری می‌باشد که به عنوان خصوصیات بارز شهرها و عامل تمایز با سایر شهرها می‌باشد. مجموعه اجزایی که در فضاهای شهری چیده می‌شوند و به استفاده عموم جهت رفع نیازهای زیست محیطی می‌رسند و منظر و هویت شهری را، تحت شعاع قرار می‌دهد مبلمان شهری است، نقش اصلی مبلمان

شهری در سطح خیابان ها و فضاهای شهری ایجاد مکان هایی است که زبان ناطق هویت انسان و منظر شهری مطلوب، باشد در مجموع میتوان گفت نقش مبلمان شهری در شهر شامل : استفاده کنندگان تجهیز شهری زیبا سازی شهری و هویت بخشیدن به شهر در همه این موارد از اهمیت بالایی برخوردار است (ربی پور، ۱۴۰۱).

هویت شهر

«هنری لوفور»، شهر را شیئی فضایی میداند که پهنه و موقعیتی را اشغال کرده و باید آن را به مثابه یک شی با فنون و روشهای مختلف از جمله اقتصادی سیاسی معیشتی و غیره مورد مطالعه قرار داد. در نظر او شهر به مثابه یک اثر هنری است شهر به سازمان یافته و نه نهادینه شده بلکه الگو یافته و به مالکیت گروه های مختلف در آمده است. لوکوربوزیه، چهار کار کرد اساسی حاکم بر سازمان شهری را سکونت کار تفریح و حمل و نقل معرفی می کند در نتیجه شهر لوکوربوزیه را باید شهری کارکردی دانست چنانچه به باور لوکوربوزیه سادگی در معماری بهترین پاسخ زیباشناسانه به نیازهای انسانی است در شهر ترکیب مناسب و آرمانی چهار کار کرد مذکور می تواند چنین پاسخی را عرضه کند. (آتشین بار، ۱۳۸۸)

از سویی نظرات متفاوت دیگری وجود دارد که شهر را ورای کالبد آن میداند: شهر چیزی بیش از مجموعه افراد و تسهیلات اجتماعی است. شهر بیشتر حالتی از اندیشه انسجامی از عادات و سنن و طرز فکرهای سازمان یافته که ذات لاینفک این عادت شده است. به عبارت دیگر شهر صرفا یک مکانیزم کالبدی و یک بنای مصنوع نیست شهر درگیر روند اجتماعی مردمی است که آن را تشکیل میدهند شهر محصول طبیعت و به ویژه طبیعت بشر است. بسیاری از آنچه که معمولا به عنوان شهر تلقی می کنیم امتیازهای آن سازمان های رسمی ساختمان ها خیابان ها راه آهن و نظایر آن صرفا مصنوع هستند و یا چنین به نظر میرسند اما این چیزها فی نفسه تنها تسهیلات و طرح هایی تصادفی است که فقط هنگامی و تنها تا آن حد در بخشی از شهر زنده می شود که از طریق استفاده و عادت خود را مانند ابزاری در دست یک شخص با نیروی حیاتی نهفته در افراد و جامعه مربوط سازد. (آتشین بار، ۱۳۸۸) شهر به مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه نمی تواند در تمدنهای مختلف یکسان پدید آید.

گوناگونی شهرها در تاریخ و جغرافیای جهان بیش از هر چیز معلول این تفاوت است. شهر محدوده تصرف شده از فضاهاست که عناصر زندگی انسان اعم از مادی و معنوی در آن مستقر می شود. شهر در ابتدا وجود نداشته است؛ لکن به تدریج و به دنبال تعریف نیازهای زیست انسان عناصری پدید می آید که در تعامل با یکدیگر در محیط استقرار می یابند و قلمرو وابسته به ذهن و فعالیت انسان را می سازد که شهر نامیده می شود شهر، حاضر فضایی است که انسان ادراکات خود را از جهان در محیط آن تجربه می کند. بدین ترتیب شهر به مثابه عنصری جدید برای نسل های بعد بخشی از محیط به شمار می رود که در ساخت ذهن آنها نقش آفرینی می کند در مقابل انسان های جدید با ذهنیت نو شونده که ناشی از تحولات معرفتی و معیشتی آنها است در ساخت شهر مداخله کرده و تلاش می کنند تا آن را در انطباق حداکثری با ذهنیت جدید قرار دهند. (منصوری، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۰)

هویت شهر مفهومی است که در فرایند ادراک سهل و ممتنع است هر کسی فکر می کند که هم هویت را می فهمد و هم شهر را در حالی که در جایگاه حرفه ای و تخصصی فهم این دو واژه یعنی هویت و شهر بسی دشوار است. کیومرث مسعودی پژوهشگر شهری معتقد است در شناخت هویت شهری باید هر دو سویه عینی و ذهنی آن یعنی شهر ساختار و کالبد شهری کارکرد اقتصادی، آن فضاهای عمومی و غیره و نیز عامل ذهنی یعنی گروه های اجتماعی ساکن سطح ادراک و شعور، اجتماعی، توقعات و مطالبات آنها وضعیت شهروندی گروه های همگن و نظایر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. بنابراین می توان نتیجه گرفت هویت شهری پدیده ای پیچیده عینی ذهنی و نسبی است. یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس

تعلق است در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاش مستمر با احساس امنیت می‌شود. (موثقی، آیرملو، ۱۳۸۵)

هویت یک شهر را می‌توان از جنبه‌های مختلف کالبدی و طبیعی انسانی و اجتماعی تاریخی و اقتصادی بررسی نمود و در واقع شکل‌گیری هویت شهری تحت تاثیر فرهنگ شکل طبیعی و کالبد مصنوع شهر قرار دارد. هویت مکان به عنوان یکی از راههای ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ سابقه تاریخی خاطرات جمعی نوع و ماهیت فناوری ساخت عملکردها نشانه‌ها فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌گردد. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق گسترش و تغییر مییابد (امین زاده، ۱۳۸۹)

نقش مبلمان شهری در هویت و سیمای شهری

«کالن» هویت را چنین تعریف می‌کند: توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیط‌های شهری. در تعریف «جیکوبز» هویت محیط در ارتباط با فعالیت‌ها و زندگی در فضاها وعرصه‌های عمومی تعریف می‌شود. «راپاپورت» هویت را خصوصیتی از محیط تعریف می‌کند که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد. تعریف «الکساندر» از هویت محیط اینست: هویت محیط حاصل ارتباط طبیعی و منطقی فرد با محیط است و این ارتباط و احساس تعلق خاطر بوجود نخواهد آمد مگر آنکه فرد قادر به شناخت عمیق محیط و درک تمایز آن از محیط‌های دیگر باشد. به عقیده «پروشانسکی» هویت محیط زیر ساختی از هویت شخص است که از شناخت‌های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌شود. از نظر «لالی» هویت فرد در ربط و نسبیت با محیط بدست می‌آید. از تعریف این بزرگان، هویت را می‌توان اینگونه تعریف کرد، حس‌ها و تعلق خاطرهایی که فرد از محیط اطراف خود دارد و کیفیت‌ها و توقعات متفاوتی را در ذهن بوجود می‌آورد که دست‌آوردی همچون خاطرات را دارد و نقش مؤثری را در طراحی مبلمان شهری ایفا می‌کند، چرا که این هویت است که طراحی هر یک از المان‌های شهری را منحصر به فرد می‌کند و به آن کالبد معنا را می‌بخشد. همانطور که از نظر کوین لینچ هویت و ساختار، تظاهر عینی معنی هستند و در کنار آنها سازگاری، خوانایی و شفافیت، کیفیت‌هایی می‌باشند که برقراری پیوند میان فرم شهر و سایر ابعاد زندگی را ممکن می‌سازد. آقای کامران کشمیری در مقاله‌ای از خود در مورد هویت شهری چنین می‌گوید: از آنجایی که «هویت»، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. در واقع این هویت است که از طراحی مبلمان و المان شهری رمز گشایی می‌کند و آنها را برای درک و خوانایی بهتر قابل پذیرش می‌کند. بیان این مطلب خالی از لطف نیست که بدانیم همین خاطرات جمعی و فردی ناشی از هویتی، که در طراحی مناسب المان‌ها و مبلمان شهری ایجاد می‌شود به نسل‌های بعد منتقل شده و در واقع کمک شایانی به حفظ هویت شهروندان، که خود نقش بسزایی در حفظ هویت شهری ما نیز دارد، می‌کند. همخوانی طراحی مبلمان شهری با هویت شهروندان و محیط‌های شهری از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که همین همخوانی هاست که ارتباط بین طرح و محیط را برقرار می‌سازد و همین باعث سیما و منظر شهری مطلوبی از دید ناظر می‌شود به گفته‌ی حسن فتحی

(معمار مصری): «بدبختانه، چشم آدمی مانند گوشش حساس نیست؛ وقتی صدای ناهنجاری می شنویم، ناخودآگاه از جا می پریم ولی هنگامی که چشمانمان تناسبی ناهنجار و ناهماهنگ با محیط، را می بیند، یکه نمی خورد مثلاً دردمان نمی آید. کاش چشم هایمان هم مثل گوش هایمان حساس بود، پس در طراحی مبلمان شهری باید به عاملی مهم چون خوانایی و سازگاری با محیط نیز توجه زیادی کرد چرا که خوانایی در طراحی مبلمان و المان های شهری احساس امنیت شهروندان را بالا می برد و حالت ابهام را از آنها دور می سازد و به شناخت بهتر محیط و تصویر ذهنی از آن کمک بسزایی می کند و توجه به این عوامل، منظر شهری را نیز، تحت تأثیر خود قرار می دهد». بر طبق گفته تاملینسون: هویت فرهنگی به عنوان نتیجه سال ها و قرن ها زندگی اجتماعی و تعامل حیطه های جغرافیایی است، به این منظور که این حیطه های جغرافیایی تشکیل شده از پیوستگی طبیعی با گذشته اش، در واقع یک نتیجه فرهنگی از میراث ها و آثار دست نخورده که به مردم تعلق دارند. طراحی شهری به عنوان محوری ضروری برای سیاست های طراحی در نسل جدید اسناد توسعه نواحی، منطقه ها، شهرها و روستاها وارد شده است و مفهومی ورای اصلاح و زیباسازی ظاهر خارجی فضای بین بناها را دارد و از مفاهیمی صرفاً آرایشی و زیبایی شناسانه ی گذشته و وارد تمامی جنبه ای زندگی انسانی در محیط خارجی انسان گشته است، که شامل نیازهایی چون هویت، حس تعلق، ایمنی و امنیت، خلاقیت، ارزش نفس و زندگی در محیط های سالم و پایدار می باشد (کلانتری و انصافیان، ۱۳۹۰). طراحی شهری در تمام مراحل و زمینه های طرح های توسعه در هر سطح و مقیاس عمل که باشد موظف به تأمین این نیازها و متولی تحقق کیفیت ها است. مقوله ی مبلمان شهری و نقش آن در شهر از هر منظری درخور اهمیت و شایان بررسی است؛ یا به تعبیری می توان گفت نقش مبلمان شهری را از زوایای مختلفی می توان مورد کنکاش قرار داد :

- نقش مبلمان شهری، سیمای شهر و نیاز شهروندان
- مبلمان شهری، معلولان، جانبازان و سالمندان
- نقش نمادها و نشانه ها در مبلمان شهری
- رابطه ی مبلمان شهری و آرامش ذهنی و سلامت روانی
- تأثیر اقلیم مصالح، رنگ و ویژگی های هنری در مبلمان شهری.

۱- نقش مبلمان شهری، سیمای شهر و نیاز شهروندان

بی شک بخش عمده ای از عناصر تشکیل دهنده ی سیمای هر شهر، مبلمان آن شهر است؛ اجزایی که گذشته از کاربردهای خاص خود به زیبایی و انتظام شهر نیز سامان می بخشند. طبعاً شکل گیری عناصر بصری که تصویر هر شهر را به وجود می آورند، خاطره ای را برای هر بیننده در ذهن باقی می گذارند. کوین لینچ در کتاب «سیمای شهر» در همین اثر و خاطره و یادای که از سیمای یک شهر در ذهن بیننده به جای می ماند (تصویر ذهنی)، مفصل صحبت کرده است. هنر طراح آن است که در کنار چیدمان این ابزار و اجزاء، نیاز شهروندان را برطرف کرده و سیمای زیبا به شهر بدهد؛ به طوری که شهروند احساس آرامش و راحتی را در برخورد با آن ها داشته باشد. نیمکت، تیرهای چراغ برق، صندوق پست و اتاقد تلفن، تابلوها، فضاهای سبز، آب نماها و بسیاری از اجزای دیگر تشکیل دهنده ی این نظم هستند.

در بسیاری از شهرها فقط تابلوهای نصب نشده (نه علائم رانندگی) خود به تنهایی می توانند به دلیل بی نظمی و اغتشاش و شلوغی سیما باعث به وجود آمدن تصویری نه چندان زیبا و آرامشبخش در شهر شوند امروزه در شهرهای بزرگ و پیشرفته، از جمله در شهرهای اروپا و امریکا کارشناسان بسیاری بر روی این موضوع کار کرده و به جزئیات سیما و نمای شهری اهمیت می دهند و گاهی همان قدر که طرح های جامع و تفصیلی شهری اهمیت دارند، برای مبلمان و سیمای شهر نیز بهای ویژه ای

پرداخت می کنند، مثلاً حتی الامکان بسیاری از تابلوهای ایستاده ی راهنمایی و رانندگی را حذف و به جای آن از خطوط و علائم رنگی در سطح خیابان استفاده می کنند. نخستین کمکی که این حرکت می کند، جلوگیری از اشفتگی، اغتشاش و ازدحام در دید بیننده و شلوغی محیط است. اهمیتی که این طراحان به نقش مردم و نیاز شهروندان می دهند، آن قدر است که محور تصمیمات شان عمدتاً رفاه و راحتی و آسایش ایشان محسوب می شود؛ به گونه ای که دید بصری و به وجود آوردن نمایی توأم با تعادل لازم، راحتی و آرامش را برای ساکنان به ارمغان می آورد و مشاهده می شود عناصر مبلمان شهری نه تنها مزاحمتی برای رفت و آمد مردم ندارد، بلکه درست جایی که مورد نیازشان هست نیز به کار گرفته شده است. شاید تا به حال مشاهده کرده باشید در بسیاری از مراکز عمده ی خرید، محلی برای استراحت و یا نشستن افراد به ویژه سالمندان در نظر گرفته شده است و یا شاید گاهی دیده باشید در بسیاری از شهرهای پیشرفته برای خرید از چرخ های دستی در داخل غرفه ها استفاده می شود، بدون این که با هیچ مشکلی از بابت رفت و آمد مواجه شوند. بنابراین، نیاز شهروندان و سیمای شهر و به وجود آمدن هویت شهری حلقه های به هم چسبیده و جدا نشدنی هستند که هر یک دیگری را پشتیبانی و تکمیل می کند و بی توجهی و بی دقتی به هر کدام آسیب جدی و خللی فاحش در به وجود آمدن سیمای نامناسب شهر خواهد بود.

۲- مبلمان شهری، معلولان، جانبازان و سالمندان

به دنبال بحث فوق اشاره ای به رابطه ی اجزا و عناصر مبلمان شهری و نیاز قشری خاص از جمله معلولان، جانبازان و سالمندان می شود. کم نیستند کشورهایی که امکانات ویژه ای برای این قشر در نظر می گیرند و در به وجود آوردن سیمای شهرشان رابطه ی مستقیم بین نیاز این قشر و مبلمان شهری به وجود می آورند. به جرات می توان گفت ابتدایی ترین امکانات، وجود پله هایی کم ارتفاع و سطح شیب دار مناسب (رمپ) می باشد که نیاز اولیه ی این قشر را برای حضور در جامعه و محیط به وجود می آورد. گذشته از پارکینگ های ویژه و یا نیمکت های مناسب، حتی گاهی کمبود یا نبود دستگیره هایی که باید به موقع به کمک این نیازمندان بیاید نیز احساس می شود. اما باید اذعان داشت که کشور ما، ایران نیز به سان بسیاری از کشورهای جنگ زده ی جهان سوم، در ایجاد تعادلی بین طراحی مبلمان شهر و نیاز این قشر خاص موفق نبوده است و حتی هنوز بسیاری از ساختمان های اصلی دولتی نیز از داشتن اولیه امکانات برای تردد این افراد محروم هستند و ابتدایی ترین نتیجه ی حاصله، به عدم حضور ایشان در محیط و برآورده نشدن نیازهایشان منجر می شود. در حالی که راقم این سطور شاهد بوده است در کشورهای اروپایی حتی در فروشگاه های بزرگ عمومی برای این قشر صندلی های چرخ داری (ویلچیر) برقی طراحی شده بود که دارای سبد ویژه ی خرید بوده و امکان خرید و عبور از تمام غرفه ها را فراهم می کرد و جالب تر این که حتی گاهی سبدهای خرید برای نشستن کودکان دارای محلی خاص بوده و شگفت این که فرزندان دو قلو نیز از قلم نیفتاده و برای ایشان نیز سبدهای ویژه ای طراحی شده بود. شاید به جا باشد که از خود پرسیم چه درصدی از فروشگاه های بزرگ ما دارای پارکینگ های بزرگ و مناسب است که سبدهای خرید تا کنار خودروها دسترسی دارد و یا چه تعدادی از آن ها محلی برای سرگرمی و بازی کودکان دارند (لطفعلی زاده، ۱۴۰۲).

۳- نقش نمادها و نشانه ها در مبلمان شهری

بدون تردید جایگاه نمادها و نشانه های شهری در فضاها و مبلمان شهری از اهمیت خاص و ویژه ای برخوردار است. چرا که بسیاری از مسائل فرهنگی و آداب و رسوم و سنت های مردم از این گونه علائم سرچشمه می گیرند. نشانه هایی که بیانگر خاطرات، مبارزات و دلاوری های یک ملت است و تبلور عینی آن در یک سمبل و نماد شهری شکل گرفته است. فضاهای باز

شهری، مبلمان شهری و حضور و استفاده ی ساکنان دارای رابطه ای مستقیم و واسه به هم می باشند. زمانی که برای استفاده از اوقات فراغت و یا سپری کردن روزهای تعطیل به اجبار از فضاهای باز و پارک ها استفاده می شود، خواه ناخواه با مبلمان شهری و عناصر موجود در آن ارتباط تنگاتنگ برقرار می شود و این نشانه ها و سمبل های شهر هستند که خودنمایی کرده و با حضورشان خاطرات گذشته را بیان می کنند و یادآور تجربیات تلخ و شیرین گذشتگان می باشند. البته دیده می شود گاهی نشانه ها دارای ابعاد و ارزش های خاص خود هستند و معمولاً موقعیت شان متناسب با جایگاهی است که در آن قرار گرفته اند. گاهی چون برج آزادی در تهران، ایفل در پاریس و یا ساعت بیگ بن در لندن جایگاه کشوری دارند و یا برخی دیگر در موقعیت شهری یا منطقه ای قرار گرفته اند. در طراحی شهرها، موقعیت سمبل ها و یادمان ها از جایگاه ویژه ای برخوردار است و به تناسب فرهنگ، سنن و آداب و رسوم و با توجه به رابطه ی ساکنان و شهروندان در ارتباط با مبلمان شهری طراحی می شوند. لذا گذشته از دید بصری و زیبایی محیط و منظر، نمادهای شهری که گونه ای از مبلمان شهر محسوب می شوند و یادآور بسیاری از یادها و خاطرات گذشتگان به حساب می آیند، عموماً با سنت های مردم عجین هستند. به گونه ای که گاهی حتی یک درخت کهن (از جمله امام زاده صالح تهران) یادمانی برای بسیاری از مردم ساکن در آن محل است.

۴- رابطه ی مبلمان شهری، آرامش ذهنی و سلامت روانی

بدیهی و روشن است که مبلمان شهری علاوه بر خصوصیات و ویژگی هایی که نام برده شد، باید سهم مهمی در به وجود آوردن آرامش و سلامت روحی و ذهنی افراد داشته باشد. گاهی شلوغی و اغتشاش عناصر چنان است که نه تنها آرامشی را به دنبال ندارد، بلکه باعث سردرگمی و آشفتگی شهروندان نیز می شود، به گونه ای که انسان خسته از کار روزانه هیچ رغبتی برای نشستن و استفاده کردن از فضای شهری و مبلمان آن ندارد. شاید تا کنون کم تر به رابطه ی مبلمان شهری و آرامش روانی افراد توجه شده باشد، اما به یقین اولین تأثیرات خود را در ارتباط با چگونگی استفاده ی شهروندان از این عناصر خواهد داشت. به هر جهت، زمانی که در یک بازار شلوغ و پر سر و صدا با تابلوهای نامنظم مختلف رو به رو می شویم، خود به خود احساس نبود آرامش و آشفتگی را خواهیم داشت و یا وقتی در فضای شهری که برای استفاده ساکنان در نظر گرفته شده که دقایقی را بیاسایند، اما رعایت بسیاری از مسائل روانی شهری در آن لحاظ نشده است، احساس راحتی نداشته و آرامشی نیز به دنبال نخواهد آمد. بدین ترتیب، این نیز هنر طراحان و دست اندرکاران مسائل مبلمان شهری است که با چیدمان صحیح و استفاده ی به جا، ضمن به وجود آوردن محیط و منظر مناسب و عملکردی در خور استفاده ی ساکنان، به مسائل روحی، روانی و آرامش بخش محیط نیز توجه کافی داشته باشند (لطفعلی زاده، ۱۴۰۲).

۵- تأثیر اقلیم، فضای سبز، مصالح، رنگ و ویژگی های هنری در مبلمان شهری

نقش هنرمندان و طراحان شهر و مبلمان آن در رابطه با استفاده از مصالح، عوامل اقلیمی و عناصر هنری از جمله رنگ ها به گونه ای است که در اولین نظر، کنش ها و واکنش های برخاسته از آن هویدا می شود. بدیهی و روشن است که این هنر طراح است که برای مبلمان منطقه ای، از چوب در محلی که به جنگل نزدیک است و یا سنگ در مکانی که منطقه کوهستانی است و نظایری مشابه آن استفاده می کند. کم تر منظری در شهر است که از این عناصر بومی تهی باشد و این ظرافت مورد تحسین و ترغیب طراحان و مجریان مربوطه را دنبال خواهد داشت. برای مثال، در شهر همدان که سنگ کوهستان نمونه ای از مبلمان و تزیینات شهر محسوب می شود و عنصری برای تزیین بلوارهای آن است، همین حال را خواهد داشت. گرچه نحوه چیدمان

همین سنگ های صخره ای روی هم قرار گرفته نیز خود دقت و ظرافت لازم را می طلبد تا نمای سنگین و زمخت آن را به تصویری آرام بخش و دوست داشتنی تبدیل نماید. آب به عنوان یک عنصر ثابت، نقشی پر رنگ و قوی در مبلمان و مناظر شهرها دارد. گذشته از آیات و احادیث و روایات، همچون «و من الماء کل شیء حی»، استفاده از آن در مناظر و مبلمان شهری شاخص و تعیین کننده می نماید. ضمن این که تعیین جایگاه آب خوری ها و شیرهای شست و شو و فضاهای سبز نیز از اهمیت لازم برخوردار می باشند. در همین رابطه لازم است به فضاهای سبز، و درختان در مبلمان شهری اشاره کرد. اگرچه باز کردن این مطلب از حوصله ای این مقاله خارج است، حداقل باید مختصر به نقش اساسی سبزینه و فضای سبز و به کارگیری انواع رنگ ها، به ویژه رنگ های گرم در طراحی محیط و منظر و مبلمان شهری پرداخت. به درستی کم تر مکانی است که برای نشستن افراد در نظر گرفته شده باشد، ولی فاقد گل، گیاه و چمن باشد. تأثیری که این عناصر به خصوص گل های معطر رنگی، در تلفیق با سایر اجزا بر انسان دارد، خود به خود برآورنده ی محیطی آرامش بخش و دلپذیر خواهد بود. حتی در کشورها و مناطق گرمسیر نیز از گل و گیاه و درخت های ویژه ی آن اقلیم همراه با صرفه جویی آب و سیستم های قطره ای استفاده می شود. در مناطق خوش آب و هوا، پر باران و معتدل مانند شمال ایران، از این نعمت بهره ی کافی برده می شود. اما نباید به صرف اقلیم و طبیعت اصل طراحی و چیدمان عناصر خدمات شهری به دست فراموشی سپرده شود، اگرچه طبیعت زیبایی خاص خود را داراست. خوشبختانه در بسیاری از شهرهای شمالی کشورمان به این نکته توجه لازم می شود به طوری که برای مبلمان شهری بسیاری از پارک ها و بوستان های منطقه ای از امکانات محلی و بومی استفاده می شود که هم مقرون به صرفه و هم مناسب و زیبا است. در آخر بر استفاده به نقش رنگ، جنس مصالح مورد نیاز و عناصر محلی و بوم آورد در مبلمان شهرها تأکید می شود، چرا که اعتقاد بر این است که می توان برای به وجود آوردن مبلمانی مناسب و محیطی آرامش بخش از ساده ترین و ابتدایی ترین امکانات محلی فضای دلچسب و مفیدی برای شهروندان به وجود آورد.

بنابر موارد اشاره شده مبلمانی که در شهرها مورد استفاده قرار می گیرد به طور کلی باید پنج ویژگی فوق را داشته باشد تا با شرایط محیط سازگاری نسبتاً مناسب و ارتباط مطلوبی را برقرار نماید.

۱- مبلمان شهری باید زیبایی بصری محیط را به دنبال داشته باشد.

۲- خدمات شهری و عناصر آن باید دارای چیدمانی باشد که علاوه بر کاربری و خدمات رسانی مناسب، آرامش روحی و روانی ساکنان را نیز فراهم کند.

۳- مبلمان شهری باید به گونه ای طراحی شود که امکان استفاده برای همه ی اقشار جامعه اعم از: زن، مرد، پیر، جوان، معلول و جانباز... فراهم آید.

۴- برای داشتن مبلمان و خدمات شهری خوب می توان با سلیقه و طراحی صحیح، هنرمندانه از امکانات محلی و مصالح بومی بهره ی لازم را برد.

۵- در طراحی مبلمان شهری، باید به نکات ظریف هنری از جمله جنس مصالح، رنگ ها و مسائل اقلیمی توجه ویژه داشته، بهره ی لازم را برد (کلانتر و انصافیان، ۱۳۹۰).

منابع و مآخذ

۱. آتشین بار محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، تهران: نشریه باغ نظر، شماره ۱۲، صفحات ۴۵-۵۶.
۲. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹) ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه هویت شهر، شماره ۷.
۳. ربی پور، سونیا (۱۴۰۱) اهمیت مبلمان شهری و نقش آن در شهر، دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز.
۴. کلاتتری، حسین؛ انصافیان، پیام (۱۳۹۰) مبلمان شهری: نگرشی نو بر تجهیز فضاهای شهری توسط مبلمان شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، راه دان.
۵. لطفعلی زاده، مهدی؛ لطفعلی زاده، دانیال (۱۴۰۲) آشنایی با مبلمان شهری، انتشارات فراگیر الوند.
۶. منصوری، سید امیر (۱۳۸۶) دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام با استعانت از تحولات شهر کرمان، تهران، مجله باغ نظر، سال ۴، شماره ۷.
۷. موثقی؛ رامین، آیرملو؛ سحر (۱۳۸۵)، عناصر هویت فرهنگی در شهر همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر همدان، سازمان عمران شهرداری همدان.